

تربیت معنوی بر پایه فقر ذاتی در صحیفه سجادیه

محمدرضا فریدونی*، صادق پناهی توانا^۲

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده:

اصطلاح تربیت در منطق اندیشمندان مسلمان بیش از هر چیز به معنای پرورش روحی و معنوی انسان به کار می‌رود، چراکه برای آدمی هدفی بالاتر و برتر از تربیت معنوی که در راستای خلقت و بعثت و آغاز و انجام او باشد، وجود ندارد. اما آنچه در تربیت معنوی اسلامی اساس و محور قرار گرفته، فقر ذاتی انسان است. بدین معنا که انسان بالذات از خود چیزی ندارد و فقیر محض است و هرگاه فقر ذاتی انسان درک و وجدان شود، نسبت بین خلق و حق تبیین گردیده و مراتب قرب انسان از چنین درکی حاصل می‌گردد. پژوهش حاضر در پی دستیابی به جوهره تربیت معنوی در صحیفه سجادیه می‌باشد و بر این اساس وجدان فقر ذاتی را محور تربیت معنوی می‌داند. بر همین اساس با بررسی شش واژه "فقر"، "فاقه"، "مسکنه"، "ضعف"، "ذلل" و "حقیر" در صحیفه سجادیه بدین نتیجه رسیده است که چهل و سه درصد از ادعیه صحیفه سجادیه به صورت مستقیم از کلمات مبتنی بر فقر ذاتی انسان استفاده نموده و در بسیاری از فرازهای دیگر صحیفه سجادیه به صورت غیرمستقیم به مفهوم فقر ذاتی اشاره شده است. چنین مطلبی حکایت از توجه خاص به جوهره تربیت معنوی بر اساس وجدان فقر ذاتی است.

واژگان کلیدی: تربیت اسلامی، تربیت معنوی، فقر ذاتی، صحیفه سجادیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- عضو هیأت علمی الهیات-عرفان اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، همدان (*نویسنده مسئول) Dr_fereydooni@basu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت panahitavana@basu.ac.ir

۱- مقدمه:

تربیت واژه‌ای است با معانی متفاوت که هر اندیشمندی بر اساس مبانی معرفت‌شناختی خود آن را معنا کرده است. اما در مورد تربیت انسان می‌توان به گروهی از فرایندها اشاره کرد که اصل یگانه حاکم بر آن‌ها رشد صفات مطلوب در آدمیان است (هرست و استنلی پترز، ۱۳۸۹: ۳۹). اگر بپذیریم که انسان موجودی است دارای استعدادهاى مختلف و احياناً متضاد، باید گفت که تربیت در واقع پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادهاى انسان و ایجاد تعادل و هماهنگی بین آن‌هاست (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۶) نتیجه این که تربیت یک برنامه هدفمند و نظام‌دار و از پیش تعریف شده است که برای پروراندن متعادل و متناسب استعدادهاى درونی انسان و رساندن وی به هدفی غائی طراحی گردیده است.

۱-۱- تربیت اسلامی:

هر مکتب و نحله فکری با توجه به تعریفی که از مبدأ، معاد و انسان دارد، طرحی برای تربیت و تعالی او بنا نهاده است. دین اسلام نیز به‌عنوان اکمل ادیان توحیدی طرحی جامع و کامل برای تربیت و پرورش ابعاد مختلف وجودی انسان دارد که از آن به تربیت اسلامی نامبرده شده است. در واقع واژه تربیت اسلامی برای نشان دادن طرح دین اسلام در ساختن و پرداختن انسان به کار می‌رود و می‌توان آن را به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش انسان در قالب طرح دین اسلام دانست (باقری، ۱۳۹۱: ۵۱) تا در نهایت هر فرد بر اساس این طرح تا حد امکان به هدف نهایی تربیت اسلامی نزدیک شود. هدف همه ادیان، تربیت روحی و معنوی انسان است و به یقین می‌توان گفت هدفی جامع‌تر از تکامل روحی و تعالی معنوی انسان برای تربیت دینی متصور نیست (جوارشکیان، ۱۳۷۸: ۲۶). عصاره و جوهره تربیت دینی همان تربیت معنوی است و از آنجا که اسلام دین برگزیده ذات اقدس الهی برای انسان می‌باشد - "ان‌الدین عندالله الاسلام" (آل عمران، ۱۹) پس بالاترین درجه تعالی معنوی هر فرد در سایه دین اسلام تحقق می‌یابد و منظور از تربیت اسلامی، تربیتی است بر اساس مبانی جهان‌شناختی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام.

۱-۲- معنویت

تعاریف متفاوتی از کلمه معنویت صورت گرفته است که با توجه به ریشه‌های فکری افرادی که این تعاریف را ارائه داده‌اند، متنوع و غیرهمسو می‌باشند. به‌طور مثال میشل^۱ معنویت را به‌عنوان راه‌هایی می‌شمارد که در این راه‌ها افراد نوع بشر معانی زندگی‌شان را جستجو می‌کنند و می‌سازند و با آن‌ها جشن می‌گیرند و سوگواری نموده و عبادت می‌کنند و این راه‌ها را به کار می‌بندند (میشل، ۱۹۶۷: ۶۲۶).

1. Micel

هینترکوف معنویت را یک احساس لطیف و واقعی نسبت به معانی مبهم که مفاهیمی پاک و نور را به همراه می‌آورند می‌داند که این مفاهیم پاک و نو شامل یک روند رشد متعالی می‌شوند (هویر، ۱۹۹۸: ۱۱).

در یک تصور عام از معنویت که از نصوص دینی اسلامی می‌توان برداشت کرد، معنویت عبارت باشد از این که: هرچه انسان از عالم طبیعت به معنای وابستگی به آن فاصله گرفته و ظهور و بروز حیوانیت در او کم‌رنگ گردد، بالطبع لطایف روحانی در جوارح و جوانح او پدیدار می‌شود. لذا می‌توان معنویت را میراندن هواهای نفسانی و کم‌رنگ کردن جنبه‌های حیوانی و پدیدار گشتن لطایف روحی در فطرت انسان تعبیر کرد.

۱-۳- تربیت معنوی:

مفهوم تربیت معنوی مسئله‌ای چالش برانگیز در قلمرو تعلیم و تربیت است که با مورد توجه قرار دادن ساحت روحانی انسان تلاش دارد تا فراتر از ابعاد جسمانی و مادی به امر رشد و تعالی انسان بپردازد. تربیت معنوی که تحت ساحت مقدس دین اسلام مدنظر است وابسته و منوط به راهکارها و منابع وحیانی اسلامی است و تنها در صورتی هدف این نوع تربیت محقق می‌شود که امر تربیت در مجرای تربیت اسلامی صورت گیرد. با کنکاش در نظرات تربیتی متفکران اسلامی درمی‌یابیم که ایشان دیدگاه‌های تربیتی خود را در قالب تربیت معنوی ارائه نداده‌اند.

هرچند که بسیاری از نظرات ایشان را می‌توان در این مفهوم بازتعریف نمود. به‌طور مثال همان‌طور که اشعری در مقاله‌ای که در آن آثار علامه طباطبایی را تحلیل نموده است، به این نتیجه رسیده است که از نظر علامه تربیت معنوی عبارت است از جهت‌دهی به فرایند تجرد نفس متناسب با فطرت ربوبی آن که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و عمل متناسب با آن است (اشعری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱). آنچه در این تعریف به عنوان محور تربیت معنوی از نگاه علامه مورد توجه واقع نشده است، هویت تعلق فقری انسان است. علامه در آثار خویش به‌خصوص در کتاب شریف رساله الولایه از آغاز تا انجام تعریفی که از انسان ارائه می‌دهد و کمالی که برای او به استناد عقل و نقل اثبات می‌نماید همان هویت تعلق فقری انسان است. دکتر سید احمد غفاری، تعریف مختار خود از معنویت را این‌گونه آورده است که بهره‌مندی اندیشه و گرایش و نیت و رفتار از اهتمام مبتهجانیه حیث اخلاقی فعل، همراه با اهتمام به ارتباط با حضرت ربوبی تعریف کرده است (غفاری، ۱۳۹۷: ۳۳).

اما در نگاه مؤلفان این مقاله، تربیت معنوی یعنی این که انسان همت خویش را در ساحت پروراندن وجه روحی و به فعلیت رساندن قوای باطنی قرار دهد. حال این نوع تربیت در چارچوب هر ایدئولوژی و پایه اعتقادی که قرار داشته باشد، همان پایه اعتقادی راهبر متری در مسیر تربیت معنوی خواهد بود.

۲- فقر ذاتی :

فقر ذاتی انسان در پیشگاه خداوند یعنی آدمی در برابر مالکیت و قدرت الهی از خود چیزی ندارد تا بخواهد در ملک خدا با او منازعه کند و با فکر خود که آن هم ملک خداست راهی برای ابطال حکم و اراده او به دست آورد، پس خداوند، مالک مطلق و مختار علی‌الاطلاق است و آدمی فقیر بالذات فریدونی، (۱۳۸۸: ۱۸۵). قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵) و با توجه به اینکه اطلاق کلمه فقر به آدمی در این آیه شریفه بدون قید و محدودیت است، پس فقر ذاتی و مطلق انسان در مقابل غنی مطلق که همان ذات اقدس الهی است به تصویر کشیده شده است. همچنان که در آیه شریفه « وَ اللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ » (محمد، ۳۸) نیز غنا منحصرأ متعلق به ذات باری تعالی و فقر و نیاز به انسان نسبت داده شده است و این نیاز تا آنجا مطلق و همه‌جانبه است که می‌فرماید: چنانچه روی برتایید شما را نیست و گروهی دیگر را جایگزین شما خواهم کرد. وجدان فقر ذاتی برای انسان آن‌چنان اهمیت دارد که می‌توان گفت نقش انبیاء و اولیای الهی در شناساندن و معرفی خالق عالم هستی به مردم در واقع فهماندن این مطلب است که انسان بالذات از خود چیزی ندارد و فقیر مطلق است و چنانچه آدمی مقام توحید را بشناسد، بالطبع فقر و عجز و نواقص خود را شناخته است و معرفی معاد یعنی معرفی روز ظهور کلی فقر و نیازمندی بی‌پایان همه اهل عالم، که به حد اعلا می‌رسد، هر آنچه بر آن اطلاق ماسوی الله می‌شود، کمال عجز، ضعف و فقر خود را از جمیع جهات وجدان نمایند و در یک جمله باید گفت درک توحید، وجدان فقر ذاتی است (فریدونی، ۱۳۸۸: ۱۸۲). از این رو اگر کسی فقر ذاتی خویش را درک نماید در مسیر تربیت معنوی مورد نظر اسلام قرار گرفته است و هرچه درک وی از این فقر عمیق‌تر و واقعی‌تر باشد به همان میزان درجه تربیت‌یافتگی وی بالاتر است و در پیمودن نردبان تعالی معنوی جایگاه رفیع‌تری یافته است .

آنجا که حافظ علیه‌الرحمه در غزل ۵۶ می‌فرماید :

دولت فقر خدایا به من ارزانی دار کین کرامت سبب حشمت و تمکین من است (خطیب رهبر: ۷۴)

۲-۱. تربیت معنوی بر پایه فقر ذاتی:

امروزه مقوله تربیت با همه‌ی پیچیدگی‌های جهان مدرن، مسئله‌ای بسیار مهم به شمار می‌آید که در صورت شناخت جایگاه تربیت و اهداف آن و به کار بستن روش‌های صحیح آموزه‌های تربیتی در ساحت‌های معین شده می‌تواند در بنا کردن ساختمان عالم انسانی مفید باشد. اما در واقع اندیشمندان مسائل تربیتی با تمام اهمیتی که برای آن قائل شده‌اند و علیرغم بیان نظریه‌های تربیتی فراوان و نگارش کتاب‌ها و

رساله‌های متعدد هنوز نتوانسته‌اند تأثیری ماندگار و تحولی عمیق در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری انسان‌ها ایجاد کنند، چراکه تمام این تلاش‌ها یک حلقه مفقوده دارد و آن انسان به فعلیت رسیده است. به یقین بیش از آنکه «کلام تربیتی» منشأ تغییر مطلوب در آدمی گردد، این «انسان تربیت‌یافته» است که بر اساس اهداف از پیش تعریف‌شده، در شناخت، نگرش و رفتار انسان‌ها اثر می‌گذارد. لذا هرچند «معرفت توحیدی» منشأ اصلی و حقیقی هر جریان تربیتی و سیر به‌سوی «حق تعالی» است، اما انسان متصف شده به اسمای الهی و تربیت‌شده‌ی خداست که محرك اصلی متری است و سایر علل و هرچه غیر او باشد به تعبیر فلسفی علت «اعدادی» است. نگاه به تربیت به‌عنوان یک علم یا حرفه هرچند ممکن است زمینه‌ساز ظهور نظریات گوناگون شده باشد ولی در مقام عمل واجد آثار تربیت مشهودی نیست. حقیقت امر تربیت «تغییر و تحول درونی» است و تا تغییرات مطلوب بر اساس اهداف غائی تعریف‌شده درونی نگردد، رشد و کمال مطلق آدمی به دست نمی‌آید و شایسته است بپرسیم چه کسانی موفق شده‌اند چنین تحول عظیمی در ضمیر آدمیان ایجاد نمایند؟ عمیق شدن در سیره اهل معرفت، به‌خوبی انسان را به پاسخ صحیح می‌رساند. از وجود مبارک رسول ختمی مرتبت (ص) و وصی و الامام ایشان مولا امیرالمؤمنین (ع) و مشاهده و بررسی تأثیرات عظیمی که در یاران و اصحاب خویش گذاشتند تا دوران معاصر و عالمان ربانی همچون سیدعلی قاضی طباطبائی، میرزا جواد آقا انصاری همدانی، علامه طباطبائی، امام خمینی (ره) و صاحب کتاب نفیس سفینه‌الصادقین، عالم ربانی سیدحسین یعقوبی‌قائنی به‌وضوح می‌توان شاهد تحول عظیم در بیان و بنان افرادی بود که ربانی و الهی شده‌اند.

اساس ایجاد تحول در سیره انبیا و اولیا در تربیت، آشنا ساختن مخاطب مستعد با عالم معنا است و مقصود از عالم معنا دعوت به توحید محض است. لذا در این مقاله مقصود نویسندگان از «تربیت» پرورش روحی و معنوی است که بر بنیاد «لااله الاالله الاالله» و توحید محض بنا شده باشد. در حقیقت استعداد نهفته در درون آدمی که لازم است به‌وسیله‌ی تربیت به فعلیت برسد و شکوفا گردد، همان تعبد الهی و توحید فطری اوست که در سایه ظهور و بروز آن، سایر استعدادها و قوا که شعاع توحید فطری هستند، به بار می‌نشینند و در صورت عدم تربیت این استعداد نهفته، می‌توان گفت که آدمی تلف شده و به بار ننشسته است. بحث نخستین انبیا (ع) بحث از خداشناسی و خداپرستی بوده است و لذا غایت و مقصدی که انسان باید به آن راه پیدا کند و به آن مقام برسد، چیزی جز مقام توحید نیست و با توجه به مراتب توحید، آن مرتبه‌ای که متری شایسته است به آن برسد برخلاف دیدگاه برخی از اندیشمندان، توحید در پرستش نیست (میرباقری، ۱۳۹۰: ۱۹)، چراکه توحید در پرستش به معنای خضوع و خشوع در مقابل خدای متعال و تسلیم محض در برابر ولایت است، اما مرتبه‌ی بالاتر از این مرحله توحید شهودی یا حضوری است، به این معنا



که علاوه بر باور داشتن دخالت فراگیر حق تعالی در تمامی صحنه‌های تلخ و شیرین هستی و درک حضور همیشگی خداوند در همه جا می‌توان وجود مطلق حق را در بین تمامی موجودات مقیده مشاهده نمود. به تعبیر مرحوم سید حیدر آملی: "هرکس توجه تام نماید به وجود مطلق حق و عدول نماید از وجودات مقیده و از مشاهده مخلوق به مشاهده خالق بازگردد و به کلمه‌ی توحید وجودی باطنی معترف باشد و قدم گذارد در وادی عبودیت حق - آن‌گونه که باید - از شرک رهاشده و عارف و موحد به حق گردیده است (آملی، ۱۳۶۷: ۳۵۷).

لذا تربیت معنوی که در تربیت اسلامی به منزله‌ی گوهر آن می‌باشد بلکه اساس تربیت بر محور تربیت معنوی است، تربیت شدن بر محور توحید وجودی یا شهودی است. و راه رسیدن به توحید وجودی یا شهودی پی بردن به فقر و عجز خویش است. وقتی انسان خویش را از هر جهت فقیر محض دید و مشاهده نمود که فقر محض است و خدای او غنای مطلق، استقلال را در خود و در هیچ مخلوقی نمی‌بیند و "استقلال" را از تمامی ماسوی‌الله می‌گیرد. بلکه خود را هم جدای از حول و قوه الهی نمی‌نگرد. در این صورت کمال تربیت انسانی رخ می‌دهد و به عبارت دیگر مرتبه‌ی از تمامی مراتب توحید گذر می‌نماید تا به مرتبه توحید وجودی می‌رسد که در این مرتبه تنها خدا حاکم است و احدی جز حق تعالی نمود و ظهور استقلالی ندارد.

تربیت معنوی با اولین قدم در وادی توحید شروع و به بالاترین مقام آن که توحید وجودی است می‌رسد و هر مرتبه از مراتب توحید مرتبه‌ای از تربیت معنوی محسوب می‌گردد اما در اصطلاح نویسندگان غربی و حتی برخی نویسندگان داخلی، چیزی که بهره‌مندی از آن موجب می‌شود در انسان، آرامش، شادی و امید نمایان گردد و آدمی را از اضطراب، دلهره، غم و احساس سردرگمی و بی‌معنایی رها می‌کند، معنویت است. لذا چنین معنویتی نه مستلزم باور به خداست و نه مستلزم تن دادن به پیام پیامبران است و نه محتاج وجود دنیایی دیگر در ورای این دنیای مادی! و تنها نصیب انسان از این معنویت، رضایت باطنی است (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۵). در این دیدگاه انسان مادی به نوعی دیگر از مادت وارد می‌شود و در خیال خود این رضایت باطنی را معنویت می‌پندارد. اما او در واقع جهت بهره بردن بیشتر از حیات پست دنیوی به دنبال راه چاره می‌گردد و چاره خویش را در شاد زیستن بدون خدا می‌بیند. اما در واقع این تلقی از معنویت افتادن در دام طبیعت‌گرایی مدرن است، جایی که شیطان‌پرستی و جن‌گیری هم معنویت محسوب می‌شود. معنویت‌های سکولار و مدرن دنیای امروز، بیش از همه گسترش شادی و نشاط را تبلیغ می‌کنند، بدون این که به این نکته متوجه باشند که منشأ شادی و سرور خداست و هر چه بویی از حقیقت در آن باشد از

خداوند متعال صادر می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (آل عمران، ۶۰) لذا برای قرار گرفتن در جریان هدایت الهی و تزکیه جسم و روح و آراستن نفس به فضایل اخلاقی راهی جز صراط رب وجود ندارد و منشأ حیات و هستی همان کسی است که تمامی حقایق از او نشأت می‌گیرد و به او ختم می‌شود پس به‌راستی می‌توان گفت هر معنویتی منهای ذات اقدس الهی ابتر است و نوعی بازی مدرن به حساب می‌آید.

معنویت صحیح و درست معنویتی است که از مجرای رسولان الهی و رسول خاتم (ص) و اوصیای او به جهانیان می‌رسد و اساس این معنویت، معرفت به حق و رسیدن به فقر ذاتی و غنای محض حق تعالی است.

۳- صحیفه سجادیه :

صحیفه سجادیه میراث گران‌بهای برجای مانده از چهارمین پیشوای معصوم شیعیان امام علی بن الحسین (ع) است. این کتاب شریف گنجینه‌ای بدیع و ثروتی تمام ناشدنی و تحفه‌ای است الهی که بر قلب کامل‌ترین انسان‌ها جاری شده است و از منبعی مصون از خطا و اشتباه سرچشمه می‌گیرد (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۱: ۳۲). این صحیفه مبارک با عطر دل‌انگیز دعا مشام جان آدمی را معطر می‌سازد و از روح بلندی نشأت می‌گیرد که باید گفت بعد از پدران بزرگوارش، گوی سبقت از همه مجذوبان سالک ربوده است.

صحیفه سجادیه از بهترین ذخایر معنوی اسلام است که از نفس ملکوتی امام سجاد (ع) تراویده و حقایق و معارف مندرج در عالم و آدم را به زبان نیایش در جهت پیمودن مراتب قرب آدمی به زبان استعداد در صورت ملکی آورده است. از آنجا که امام معصوم ولی خداست لذا کلام وی نور و هدایتی است در جهت تربیت انسان. دعاهای مأثور از ائمه (ع) بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سرشار از معارف اسلامی هستند که قدر آن‌ها را باید دانست و بایستی به آن‌ها متوسل شد (پرازش، ۱۳۹۰: ۵۳).

این کتاب ارزشمند درعین حال که در بردارنده ظریف‌ترین و دقیق‌ترین راز و نیازهاست و رابطه عاشقانه انسان و خدا را به زیباترین شکل ممکن به تصویر می‌کشد از منابع مهم در بررسی و استنباط عناصر نظام تربیتی اسلام نیز به شمار می‌رود در این صحیفه تصویر انسان کامل که در حد اعتلای تربیت معنوی قرار دارد ترسیم گردیده است و هدف تربیت معنوی نیز فزونی دادن و پروراندن انسان و رساندن وی به این حد اعلا است، لذا صحیفه سجادیه می‌تواند مبنای استواری برای تعالی معنوی افراد قرار گیرد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۸۹).

با توجه به اهمیت بی‌نظیر صحیفه سجادیه در رشد و تعالی انسان سالک و نیز جایگاه فقر ذاتی در مسیر این تعالی، این مقاله به دنبال آن است تا جایگاه فقر ذاتی را در متن بی‌بدیل این کتاب گهربار بررسی



نماید، از این رو با بررسی فراوانی کاربرد شش واژه "فقر"، "فاقه"، "مسکنه"، "ضعف"، "ذلل" و "حقیر" و منشآت این کلمات که هرکدام نشان‌دهنده‌ی نیازمندی عبد به معبود می‌باشد، در متن گهربار صحیفه سجادیه، به دنبال تبیین اهمیت وجدان فقر ذاتی انسان از منظر صحیفه‌ی امام چهارم (ع) هستیم. در این تحقیق به دنبال اختلاف ماهوی واژگانی که دلالت بر فقر ذاتی دارند، نبوده‌ایم بلکه جوهر ذاتی تمام این کلمات که اشاره به نیازمندی همه‌جانبه انسان است، مدنظر قرار گرفته است.

۴- پیشینه تحقیق:

درزمینه تأثیر صحیفه سجادیه در مسائل تربیتی تحقیقات اندکی انجام گرفته که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

- ❖ میرشاهجعفری و مقامی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "رهیافتی در نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه" مبانی، اصول و روش‌های تربیتی را در صحیفه سجادیه موردبررسی قرار داده‌اند.
- ❖ سلمانپور (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "فرهنگ‌سازی امام سجاد (ع) با زبان دعا" به فرهنگ‌سازی امام (ع) در حوزه‌های دعا، تعلیم و تربیت و تبلیغ و ستیز سیاسی پرداخته است.
- ❖ سبحانی نژاد و علیین (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان "درآمدی بر ابعاد و زمینه‌های تربیت در صحیفه سجادیه" به نگاه فراگیر امام و ابعاد شش‌گانه تربیتی در صحیفه سجادیه پرداخته‌اند.
- ❖ سلیمانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "درآمدی بر نظام تربیتی و انسان‌شناختی از منظر صحیفه سجادیه" به تفسیر برخی ادعیه امام (ع) از منظر انسان‌شناسی همت گمارده است.
- ❖ ایزدی منش (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه صحیفه سجادیه و قرآن در صفات اخلاقی" به ارتباط تنگاتنگ قرآن کریم و ادعیه امام (ع) در زمینه‌های اخلاقی اشاره دارد.
- ❖ فریدونی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "وجدان فقر ذاتی و تأثیر آن در افعال و نگرش انسان از دیدگاه علامه طباطبایی" به اهمیت درک فقر ذاتی انسان در پیشگاه خداوند پرداخته است.
- ❖ سلحشوری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، جایگاه، تعریف و حدود هر سه نوع تربیت را تبیین نموده است.

۵- روش تحقیق:

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی، بر اساس رویکرد کیفی و از منظر روش اجرا مبتنی بر تحلیل

محتوا است. آری و همکاران (۱۹۹۶) تحلیل محتوا را نوعی روش تحقیق می‌دانند که برای آشکارسازی یا تعیین ویژگی‌های مواد مکتوب یا دیداری به کار می‌رود. مواد مورد تحلیل می‌توانند شامل کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها، سخنرانی‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و هر نوع اسناد و مدارک دیگر باشد. اساس تحلیل محتوا بر مقوله‌بندی پیام‌های یک سند مبتنی است. هر مقوله نماینده یک متغیر مجزا است که مرتبط با اهداف پژوهش است. لذا پژوهشگر باید یک نظام مقوله‌بندی تدوین کند. مراحل انجام تحلیل محتوا به شرح زیر است (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۵):

- ۱- شناسایی اسنادی که مربوط به اهداف پژوهش است.
- ۲- مشخص کردن سؤال‌ها، فرضیه‌ها یا اهداف پژوهش.
- ۳- انتخاب نمونه‌ای از اسناد برای تحلیل محتوا با استفاده از روش نمونه‌گیری.
- ۴- تدوین یک روش مقوله‌بندی.
- ۵- مشخص کردن اینکه چند نمره گذار می‌توانند نظام مقوله‌بندی محتوا را با درجه بالایی از ثبات مورد استفاده قرار دهند.

- ۶- انجام تحلیل محتوا به صورت شمارش فراوانی رخداد هر مقوله علامت‌گذاری شده.
- تفسیر نتایج جامعه آماری پژوهش کتاب گهربار صحیفه سجاده‌به منتسب به امام چهارم شیعیان حضرت علی بن الحسین (ع) با مشخصات زیر می‌باشد:
- صحیفه کامله سجاده‌به - مترجم: محمدتقی خلجی - تهران - انتشارات میثم تمار - شماره شابک (۳-۲۷-۵۵۹۸-۹۶۴) می‌باشد.

در این پژوهش نمونه‌گیری صورت نگرفته و حجم نمونه با حجم جامعه آماری برابر است و برای جمع‌آوری اطلاعات از فهرست‌وارسی (چک‌لیست) سنجش کلمات مبتنی بر مفهوم فقر ذاتی انسان در پیشگاه خداوند، استفاده شده است که برای تعیین روایی محتوایی در اختیار چند نفر از متخصصان قرار گرفت و با انجام اصلاحاتی مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار و ثبات بین دیدگاه ارزیابان نسبت به مقوله‌ها از ضریب توافق داوران بر اساس روش کودر - ریچاردسون استفاده شد. ضریب پایایی درونی یا ضریب توافق $\alpha = 0/98$ تعیین گردید، که گویایی هماهنگی و ثبات در خصوص نظام مقوله‌بندی بین داوران است. برای تجزیه و تحلیل سؤالات از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و نمودار) استفاده شده است.

۶- یافته‌های پژوهش:

جداول ۱ الی ۵ و نمودارهای ۱ و ۲ نشان‌دهنده موارد استفاده از کلمات مبتنی بر فقر ذاتی انسان در پیشگاه ذات اقدس الهی هست.

جدول ۱- کلمه فقر و فاقه و منشآت آن‌ها در متن صحیفه سجادیه

ردیف	عبارت حاوی واژه	شماره دعا	فراز دعا	مفهوم‌ی که واژه در این عبارت دارد
۱	... انا افقر الفقرا الیک ...	۱۰	۳	... من نیازمندترین نیازمندان در پیشگاه توأم ...
۲	... فاجبر فافتنا بوسعک ...	۱۰	۳	... و تو با کرمت این شدت فقر مرا جبران کن ...
۳	... و نسبتهم الی الفقر ...	۱۳	۱۲	... و خلق را به فقر و حاجت نسبت دادی ...
۴	... و هم اهل الفقر الیک ...	۱۳	۱۲	... و خلق نیازمن به ذات بی نیاز توانند ...
۵	... و رام صرف الفقر عن نفسه بک	۱۳	۱۳	... و بر طرف شدن فقر و نیاز خود را از درگاه تو درخواست کرد
۶	... من شکا الیک فقره تو کلا ...	۱۶	۱۵	... کسی را که از فقرش تنها به تو شکایت می کند و بر تو توکل دارد ...
۷	.. المهیمین الفقیر، الحائف المستجیر	۲۱	۷	... بنده فقیر توأم که هراسان به تو پناه آورده
۸	... و لا قوه لی علی الفقر ...	۲۲	۲	... من قدرت تحمیل بر فقر ندارم ...
۹	... و زدنی الیک فاقه و فقرا ...	۴۷	۱۱۸	... و نیازمندی و فقرم را به درگاهت افزون نما ...
۱۰	... و زدنی الیک فاقه و فقرا ...	۴۷	۱۱۸	... و نیازمندی و فقرم را به درگاهت افزون نما ...
۱۱	... و بک انزلت الیوم فقری و فافتی ...	۴۸	۴	... و فقر و بیچارگی ام را به درگاهت عرضه داشتم ...
۱۲	... و بفقری الیک و غناک عنی ...	۴۸	۴	... و من فقیر و نیازمند توأم و تو از من بی نیازی
۱۳	... و بک انزلت فقر و فافتی ...	۴۸	۴	... و فقر و بیچارگی ام را به درگاهت عرضه داشتم ...
۱۴	... سؤال من اشتدت فاقته ...	۵۴	۳	... درخواست کسی است که نیازمندی اش شدید است ...
۱۵	... سؤال من لایجه لفاخته معینا ...	۵۴	۳	... درخواست مانند کسی است که بر نیازش فریادرسی ندارد ...

جدول ۲- کلمه ضعف و مسکنه و منشآت آنها در متن صحیفه سجادیه

ردیف	عبارت حاوی واژه	شماره دعا	فراز دعا	مفهوم عبارت
۱ و متقویا علی ضعفه بنصرک	۲	۱۹ و بر ضعف خود به نصرت و یاری تو قوت یافت
۲ و غلبه الحسد، و ضعیف الصبر	۸	۱ به تو پناه می‌برم از غلبه حسد و ناتوانی بر صبر
۳ اللهم و انک من الضعف خلقتنا	۹	۵ الهی تو اساس خلقت ما را بر ناتوانی قراردادی
۴ و شده مسکنتی و سوئی موقفی....	۱۶	۳۲ ترحم نما بر شدت فقر و مسکنتم....
۵ و اضعف عند طاعتک تقظا....	۱۶	۲۷ و بیداریم هنگام طاعت بسیار ضعیف است....
۶ فانی عبدک المسکین و المستکین....	۲۱	۷ پس من بنده مسکین بیچاره توأم....
۷ فانی عبدک المسکین المستکین، الضعیف الضریر	۲۱	۷ پس من بنده مسکین مستکین، ضعیف حقیر توأم
۸ و ان ضعف عن ذلک بدنی	۲۲	۶ و قوتم بخش بر آنچه بدنم بر آن ناتوان است
۹ فی سوء الظن و ضعف البقین	۳۲	۲۷ شیطان در سوء ظن و ضعف یقین بر من تسلط یافته
۱۰ و ضعف حججه فی جمیع تبعاته	۳۹	۱۲ ناامیدی من به خاطر ضعیف حججت و دلیل در تمامی ابعاد است
۱۱ و بک انزلیت الیوم فقری و فاقتی و مسکنتی	۴۸	۴ و فقر و بیچارگی ام را به درگاهت عرضه داشتم
۱۲ فقدتتری ضعیفی....	۴۸	۱۶ الهی تو ضعف و بیچارگی ام را می بینی....
۱۳ فنظرت یا الهی الی ضعیفی عن احتمال الفوارح	۴۹	۵ الهی ضعف و ناتوانی مرا در تحمل سختی‌ها دیدی
۱۴ یا الهی ضعف نفسی عن المسارعه فیما آورده‌ام	۵۱	۱۰ الهی به درگاهت از ضعف و ناتوانی خود شکایت آورده‌ام
۱۵ و ضعیفی و مسکنتی و قله حیلتی....	۵۳	۴ ترحم نما بر عجز و بیچارگی و ناتوانیم....
۱۶ و ضعیفی و مسکنتی و قله حیلتی....	۵۳	۴ ترحم نما بر ضعف و بیچارگی و ناتوانی من....
۱۷ من اشتدت فاقته و ضعف قوته	۵۴	۳ درخواستم مانند کسی است که بیچارگی اش شدید و نیرویش ضعیف است

حتی پیامبر گرامی (ص) هم در پیشگاه خدا ضعیف است و یاری و نصرت از آن خداست. در واقع نسبت همه موجودات در ضعف در پیشگاه خداوند یکسان است.



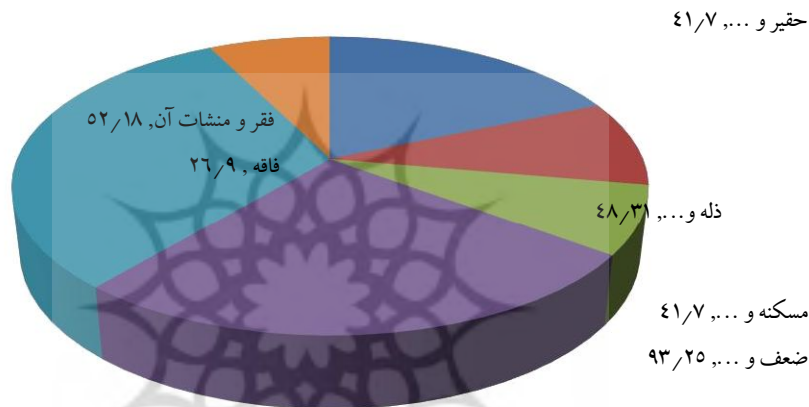
جدول ۳- کلمه ذل و حقیر و منشات آنها در متن صحیفه سجاده

ردیف	عبارت حاوی واژه	شماره دعا	فراز دعا	مفهوم عبارت
۱	... ووقوف المستسلم الذلیل	۱۲	۴	... من به درگاهت به حال ذلت و تسلیم ایستاده‌ام
۲	... مقال العبد الذلیل الظالم لنفسه	۱۲	۷	... به گفتار بنده‌ای خوار و ذلیل که به خود ستم کرده سخن می‌گویم
۳	... عفر لک وجهه تذللا	۱۶	۱۵	... کسی را که به درگاهت جبهه مذلت نهاده عفو خواهی کرد
۴	... الضعیف الضریر، الذلیل الحقیر	۲۱	۷	... من بنده ضعیف حقیر، ذلیل و حقیر توأم
۵	... الذلیل الحقیر، المهیم الفقیر	۲۱	۷	... من بنده خوار و حقیر و ضعیف توأم
۶	... المعزین من الذل بک	۲۵	۱۱	... آنان به وسیله تو از ذلت و خواری به عزت رسیدند
۷	... تضرع الیه عبد ذلیل فرحمه	۳۱	۲۴	... بنده ذلیل و ناتوان به درگاهت زاری می‌کند پس به او رحم کن
۸	... و طاطا راسه لعزتک متذللا	۳۱	۹	... در پیشگاه عزتت به حال ذلت و خواری سرش را به زیر انداخته
۹	... علیک ذل مقامنا	۴۲	۱۵	... به حال ذلت و خواری ما ترحم نما
۱۰	... و الذله بین یدیک	۴۴	۱۷	... بنده‌ای که شب را به حالت ذلت و خواری در پیشگاهت تضرع می‌کند
۱۱	... فی جنب شرفک حقیر	۴۶	۱۳	... هر شرافتی در نزد شرافت تو حقیر است
۱۲	... بین یدیک صاغرا ذلیلا	۴۷	۶۹	... و اینک منم که در پیشگاه تو خوار و ذلیلم
۱۳	... و اذل الازلین	۴۷	۷۵	... و من ذلیل‌ترین ذلیلانم
۱۴	... و ذللتی بین یدیک	۴۷	۱۱۸	... مرا در پیشگاهت خوار و ذلیل گردان
۱۵	... و التذلل و الاستکانه لک	۴۷	۷۳	... با ذلت و خواری نیازم را به درگاهت دنبال نمودم
۱۶	... و مسئلتک مسئله الحقیر الذلیل	۴۷	۷۴	... و درخواستم از تو درخواست انسان خوار و ذلیل است
۱۷	... و ستلتک مسئله الحقیر الذلیل	۴۷	۷۴	... و درخواست از تو درخواست انسان خوار و ذلیل است
۱۸	... فها انا ذابین یدیک خاضع ذلیل راغم	۵۰	۴	... پس من فروتن و خوار و ذلیل در پیشگاه تو حضور دارم
۱۹	... فانی امرو حقیر	۵۰	۶	... پس من شخصی حقیرم
۲۰	... وضعت له الملوک نیر المذله علی اعناقها	۵۱	۷	... تو بر گردن پادشاهان طوق مذلت و خواری گذاشتی
۲۱	... انا باسرا فی علی نفسی ذلیل	۵۲	۷	... من به واسطه اسراف در نفسم ذلیل و خوارم

جدول ۴: درصد فراوانی واژه‌ها

درصد	تعداد	واژه	ردیف
۱۸/۵۲	۱۰	فقر و مشتقات آن	۱
۹/۲۶	۵	فاقه و مشتقات آن	۲
۷/۴۱	۴	مسکنه و مشتقات آن	۳
۹۲/۲۵	۱۴	ضعف و مشتقات آن	۴
۳۱/۴۸	۱۷	تذلل و مشتقات آن	۵
۷/۴۱	۴	حقیرو مشتقات آن	۶
۱۰۰	۵۴	جمع	۷

نمودار ۱: درصد فراوانی واژه‌ها



جدول ۵: درصد فراوانی دعاهای حاوی واژه‌های مورد مطالعه

درصد فرازهای حاوی واژه‌ها	تعداد	عنوان	ردیف
۴۲/۵۹	۲۳	دعاهای حاوی واژه‌های مورد مطالعه	۱
۵۷/۴۱	۳۱	سایر دعاها صحیفه سجادیه	۲
۱۰۰	۵۴	کل دعاها	۳

نمودار ۲: درصد دعا‌های حاوی واژه‌های مورد مطالعه



۷- نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد که تقریباً در ۴۳ درصد از فرازهای دعا‌های صحیفه سجاده الفاظ "فقر"، "فاقه"، "مسکنه"، "ضعف"، "حقیر" و "ذلل" که نشان‌دهنده فقر ذاتی و یا ناتوانی انسان در ابعاد مختلف و نیازمندی ذاتی و همه‌جانبه وی به ذات مقدس الهی به‌کاررفته است. هرچند کم نیستند فرازهایی که علیرغم عدم استفاده از این کلمات به‌نوعی به لحاظ مفهومی به فقر ذاتی انسان در مقابل ذات جل‌جلاله اشاره دارد و اصولاً مفهوم ضعف و نیاز بنده نسبت به خالقش در اصل دعا کردن و دست‌نیز به درگاه حضرتش دراز کردن نهفته است و صحیفه مبارکه سجاده شکوهمندانه‌ترین نیازی است که به آستان بی‌نیاز باری تعالی عرضه شده است.

به کار بردن این مفاهیم توسط امام معصوم که مصداق انسان کامل و هدف غائی تربیت معنوی است ریشه در این حقیقت دارد که امام حقیقت مقام عبودیت خود را به‌طور کامل شهود کرده است و ضعف خود را به عرض حضرت ربوبیت عرضه می‌دارد و این همه ره‌آورد دریافت احاطه مطلق حضرت حق بر ارکان و اجزای عالم هستی است و درواقع هر چه امام (ع) خود را ناتوان‌تر توصیف

می‌کند، دلیل بر عظمت معرفت و وسعت بیشتر دامنه علم و تربیت‌یافتگی وی خواهد بود (ممدوحی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۰۶). معرفت امام (ع) به عظمت حضرت حق آن‌چنان است که تمام حقیقت خود را در ربط

محض به خداوند می‌داند و کسب تمام کمالات و توفیق عبادت و نتیجه تمام تلاش‌ها را قائم به گوشه چشم خداوند می‌داند و این حقیقت را به صورت کامل شهود نموده که همه چیز با اضافه اشراقیه به الله وابسته است و ترس از قطع این اضافه اشراقیه امام را وامی‌دارد که چنین درگاه الهی خشوع و رزد و ذلت و فقر خود را به پیشگاه الهی عرضه می‌نماد (ممدوحی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۳۲).

فقر و ضعف ذاتی انسان، فقر و ضعف در اصل هستی اوست. آن چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»: (فاطر، ۱۵) و یا « خَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا » (نسا، ۲۸) بدین معنی که هستی، ذاتی حضرت حق و نیاز و فقر ذاتی ماسوی الله است. هستی لحظه به لحظه از جانب خداوند افزوده می‌گردد و جبران فقر و فاقه نیز از طرف مبدأ هستی پیوسته جاری است که در غیر این صورت خلق به عدم محکوم است. از این رو کرامت‌های روحی و اخلاقی و رشد انسان در ابعاد مختلف تربیت معنوی نیز به فیض ذات الهی وابسته است. از این رو امام (ع) پس از اظهار فقر و ضعف به درگاه الهی، جبران نیازش را نیز از خداوند می‌طلبد: «يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رِجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونُ قَدْ أَشْقَيْتَ مِنْ اسْتَشْعَادِ بَيْتِكَ، وَ حَزْمَتِ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ» (دعای دهم). ای بی‌نیازترین نیازمندان! این ماییم بندگان تو که در پیش رؤیت ایستاده‌ایم، و من از همه‌ی نیازمندان درگاهت نیازمندترم و نیازم از همه بیشتر. پس به عطای خویش، فقر ما را جبران کن و رشته‌ی امید ما را به تیغ دریغت مبر که اگر چنین کنی، کسی را که به امید سعادت، دل‌برده‌ی رحمت توست، نگویند بخت کرده‌ای، و آن را که از فضل تو مدد می‌طلبد، نومید ساخته‌ای - و در فرازی دیگر می‌فرماید: «و در فرازی دیگر می‌فرماید: "و من تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِزْمَانِ، وَ اسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ قَوْتَ الْإِحْسَانِ" (دعای سیزدهم) - و کسی که دست نیاز سوی بنده ای از بندگان برد، یا این که جز تو را وسیله‌ی کامیابی و برآمدن حاجتش قرار دهد، در حقیقت، خویشش را به ناامیدی و نامرادی سوق داده و از سوی تو سزاوار از دست دادن احسانت گشته است -". تا این حقیقت که بنده نیازمند برای رستگاری و نجات راهی جز اظهار فقر به درگاه الهی ندارد بیش از پیش نمایان گردد. با نگاهی کلی به مطالب گفته شده می‌توان گفت: رسیدن به غایت تربیت معنوی که البته جز از طریق فضل و عنایت باری تعالی میسر نمی‌شود. تنها و تنها در سایه درک فقر ذاتی در پیشگاه خداوند به دست می‌آید و هرچه این ادراک متعالی تر باشد تربیت یافتگی و نزدیکی انسان نیز به هدف بیشتر است. زبان استمداد یک نیایشگر در تمامی حالات خویش این است که:

او مذلت خواست، عزت کی تتم (خوارزمی، ۱۳۶۸: ۱۱۱) او گدائی خواست، شاهی چون کنم

منابع:

- قرآن کریم
- صحیفه کامله سجاده. ۱۳۸۸. محمد تقی خلجی. تهران. انتشارات میثم تمار. چاپ هفدهم.
- آملی، سید حیدر. ۱۳۶۷. نص النصوص. به اهتمام هنری کرین و عثمان اسماعیل یحیی. چاپ دوم. انتشارات توس.
- ابراهیمی فر، علی اصغر. ۱۳۸۱. "مبانی، اصول، روش ها و اهداف تربیتی در صحیفه سجاده". ماهنامه معرفت. شماره ۵۷. سال ۱۳۸۱.
- اشعری، زهرا و همکاران. ۱۳۹۱. "بررسی مفهوم، اصول و روش های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی". دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال هفتم. شماره ۱۵. پاییز و زمستان ۹۱.
- باقری، خسرو. ۱۳۹۱. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران. انتشارات مدرسه.
- برازش، علیرضا. ۱۳۹۰. دعا از منظر آیه‌الاعظمی سیدعلی خامنه‌ای (رهبر معظم انقلاب اسلامی). انتشارات انقلاب اسلامی.
- جوارشکیان، عباس. ۱۳۷۸. دین و دنیا ۱ (تربیت معنوی و دنیای دین). نشریه رشد آموزش معارف اسلامی. شماره ۳۹.
- حافظ، شمس الدین محمد، ۱۳۷۲، دیوان عزلیات، تهران، کتابخانه صفی علی شاه.
- خوارزمی، تاج الدین حسین بن حسن، ۱۳۶۸، شرح فصوص الحکم، نجیب مایل هروی، انتشارات مولی
- سلیمانی، مصطفی. ۱۳۹۰. "درآمدی بر نظام تربیتی و انسان شناسی از منظر صحیه سجاده" فصلنامه راه تربیت. شماره ۱۵.
- شریفی، احمدحسین. ۱۳۸۹. "درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفانهای کاذب". انتشارات به‌آموز. چاپ پنجم.
- غفاری قره باغ، سیداحمد، ۱۳۹۷: "معنویت در ادیان ابراهیمی" تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
- فریدونی، محمدرضا. ۱۳۸۸. وجدان فقر ذاتی و تاثیر آن در افعال و نگرش انسان از دیدگاه علامه طباطبایی. فصلنامه اندیشه نوین دینی. سال پنجم. شماره ۱۹.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۴. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران. انتشارات صدرا.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن. ۱۳۹۰. شهود و شناخت: ترجمه و شرح صحیفه سجاده. انتشارات بوستان کتاب - قم.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی. ۱۳۹۰. ولایت الهیه. گردآورنده: غلام سخی رضوانی. چاپ ششم. موسسه فرهنگی فجر ولایت.
- نصر اصفهانی، احمدرضا و همکاران. ۱۳۸۳. "جایگاه مهارت های اجتماعی مورد نیاز دانش آموزان در کتاب های درسی عمومی دوره متوسطه". دو ماهنامه دانشور رفتار. دانشگاه شاهد. شماره ۹.
- هرست، پل هیوود و استنلی پیترز، ریچارد. ۱۳۸۹. منطق تربیت. فرهاد کریمی. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Ary, Donald, & etal. (1990). "Introduction to research in education" California . Forth ed.
- Huber, m. (1998). Psychotherapy: A Graceful activity. Individual Psuchology, 11.
- Michel, O (1967). Meaamelogomi. In. G. Kittel & G. Friedrich (Eds.), Theological dictionary of New Testament (Vol.4, pp.626-629)